خبرها

شورای اجتماعی کشور جایگاه قانونی تصمیم‌گیری ندارد

ایسنا: وزیر رفاه و تأمین اجتماعی گفت: به منظور جلوگیری از موازی‌کاری در برخی سازمان‌ها به خصوص سازمان بهزیستی، طرحی از سوی شورای اجتماعی وزارت کشور تصویب شد که براساس آن تفکیک وظایف در این سازمان صورت می‌گیرد. مهندس پرویز کاظمی افزود: بسیاری از کارهایی که از سوی سازمان بهزیستی انجام می‌شود، جزء وظایف این سازمان نیست؛ به عنوان مثال جمع‌آوری متکدیان از سطح شهر برعهده نیروی انتظامی، شهرداری‌ها و وزارت کشور است و وظیفه سازمان بهزیستی نگهداری از متکدیان بی‌خانمان، بی‌سرپرست و بی‌بضاعت است. وی اظهار کرد: از دیگر اقدامات بهزیستی نگهداری از برخی بیماران مبتلا به ایدز است که این کار هم بر عهده وزارت بهداشت است. کاظمی با اشاره به تکذیب انحلال سازمان بهزیستی از سوی شورای اجتماعی وزارت کشور گفت: شورای اجتماعی وزارت کشور جایگاه قانونی برای تصمیم‌گیری در این کار ندارد و این سازمان دارای لایحه قانونی تشکیل است و فقط وظایفی که به طور موازی و تعریف نشده مشخص شود واگذار می‌شود همچنین سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت واگذاری بخش‌های مشخص شده برای تصدی‌گری است.

کتیبه‌های ایرانی در حال بازگشت از آمریکا است

فارس: معاون فرهنگی و ارتباطات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با بیان اینکه از چند هزار قطعه کتیبه ایرانی چند صد قطعه آن هنوز به ایران تحویل داده نشده است، گفت: با تضمین کتبی دانشگاه شیکاگو این چند صد قطعه نیز در حال برگشت است. علیرضا سجادپور درباره آثار ملی ایرانی امانت در دانشگاه شیکاگو اظهار داشت: این موضوع داستانی طولانی دارد و اصلاً به شکلی که یکی از مورخان کشور گفته نیست. وی با بیان اینکه شیطنت‌هایی برای مصادره کتیبه‌های ایرانی صورت گرفته است، افزود: اولاً آمریکا برای مصادره این اموال موفق نخواهد شد، ثانیاً اگر اتفاقی بیفتد امنیت انتقال اشیای موزه‌ای را در سراسر جهان از دست می‌دهد و هرگز آمریکا چنین کاری را نخواهد کرد. سجادپور تصریح کرد: این آثار چندین سال قبل از پیروزی انقلاب برای مطالعه به دانشگاه شیکاگو داده شد و این موضوع را که سازمان میراث فرهنگی هیچ تلاشی برای بازگرداندن این آثار صورت نداده است قبول نداریم زیرا پس از آنکه میراث فرهنگی متوجه این موضوع شد تلاش‌های گسترده‌ای انجام داد به نحوی که بخش عمده‌ای از آثار برگردانده شد. وی گفت: دانشگاه شیکاگو بر مالکیت ایران بر این قطعات موافقت کامل دارد. سجادپور با بیان اینکه دانشگاه شیکاگو برای مالکیت ایران نسبت به کتیبه‌ها حکم رسمی صادر کرده است، گفت: به زودی بقیه آثار به ایران بازمی‌گردد. وی ادامه داد: با موزه‌های بزرگ دنیا هماهنگی شده است که حتی نسبت به بیان این موضوع واکنش نشان دهند زیرا این کار می‌تواند اعتماد کامل را بین تبادلات علمی بین موزه‌های بزرگ دنیا بر هم بزند. سجادپور در پایان تاکید کرد: اگر دولتی اشتباهی چنین فاحش را انجام دهد خود را در طول تاریخ باستان‌شناسی دنیا بدنام می‌کند و این احتمال ضعیفی دارد.

دریغ از راه دور و رنج بسیار

سولماز نراقی

امروز هشتاد و دومین سالمرگ میرزاده عشقی است. شاعری انقلابی که دوازدهم تیرماه ۱۳۰۳ به دستور رضاشاه در حیاط خانه خود به قتل رسید. گزارشی که می‌خوانید داستان جست‌وجوی خانه عشقی در تهران و سپس یافتن خانواده او در همدان است. این جست‌وجو یک سال پیش در چنین روزی با هدف کشف اسناد و تصاویری از زندگی و مرگ عشقی آغاز شد و هفته گذشته با دستیابی به این اسناد که به زودی در کتابی با عنوان «میرزاده عشقی» منتشر خواهند شد پایان یافت. آنچه می‌خوانید حاوی ناگفته هایی درباره این شاعر مبارز است.

■ **تهران**

به دنبال خانه‌ای که میرزاده عشقی، هشتاد سال پیش در آن به قتل رسیده روانه خیابان صف شدم. اینجا سه‌راه سپهسالار است. منطقه‌ای که همچون سایر نقاط قدیمی این پایتخت تیره‌بخت، عمری است نعش تاریخ‌اش را به دوش می‌کشد. آفتاب تابستان بیرحم و یک‌کلام است و صاحبان مشاغل شرافتمندانه با انواع وسائل نقلیه گوشخراش به زندگی هجوم می‌برند. چه کسی می‌داند کوچه قطب‌الدوله کجاست؟

در منتهاالیه خیابان بود پدید
تهران، برون شهر، خرابه یکی بنای

▪▪▪

این اواخر خیلی تنگدست بود. اتاقکی در بیرونی خانه مهدیخان واقع در سه‌راه سپهسالار، کوچه قطب‌الدوله اجاره کرده بود با پسرعمویش میرمحسن خان. عصرها را در ایوان آن خانه با ملک‌الشعرا بهار می‌نشستند به گپ و گفت و سرودن شعر. محمدرضا کردستانی معروف به میرزاده عشقی، قدرت ستیز و سربزرگ، حالا مدیر نشریه قرن‌بیستم است و به نیش زبان مشهور.

▪▪▪

– هشتاد سال پیش؟ خانه پدری نیست؟ بعید است پیدا کنید. نومید بازگشتم؛ از ردپای تاریخ هشتادساله را در پایتخت تمدن هفت‌هزارساله یافتن. چند ماه گذشت. به یاری یادداشت‌های سعید نفیسی دریافتم که نام کوچه قطب‌الدوله با قتل شاعر به کوی عشقی تغییر یافته است. بار دیگر راهی سپهسالار شدم.

▪▪▪

تیرماه ۱۳۰۳؛ شاعر هراسان برخاسته و دارد از پنجره آهنی مشرف به کوچه بیرون را می‌نگرد. «ساعت دوازده است هلا نیمه‌شب رسید...» خواب دیده در یکی از اتاق‌های نظمیه محبوس است. ناگهان خاک زیادی از روزن سقف شروع به ریختن می‌کند و او زیر آوار مدفون می‌شود. دقایقی دیگر چشم‌انداز کوچه را ترک کرده، دلواپس به بستر می‌رود. چند روز بعد، به ضرب گلوله سرکردگان رضاشاه در حیاط خانه خود به قتل می‌رسد و می‌رسد به من... آن نیم به مرگ طبیعی شوم هلاک/ وین کاسه خون به بستر راحت هدر کنم

دوازده ساله بود که انقلاب مشروطه به پیروزی رسید و چهارده ساله بود که محمدعلی شاه مجلس را به توپ بست. نوجوانی او در پریشانی و آشوب مملکت گذشت...

– سه‌راه سپهسالار اینجا نیست، باید بروید ظهیرالاسلام! صفی‌علیشاه، خیابان خیام. بر دیوار خانه‌ای که نبش کوچه قرار گرفته با اسپری نوشته شده «کوی عشقی». دریغ که هیچ ردی از تاریخ در این کوچه به‌جا نمانده است. باریکه بن‌بستی به نام «ثابت‌قدم» از اواسط آن منشعب شده. حس غریبی می‌گوید که کوی عشقی اینجاست. ساختمانی فرسوده در انتهای آن به چشم می‌خورد. ممکن است بتوان از اهل این خانه اطلاعاتی به‌دست آورد: – خانه عشقی؟ بله، خرابش کردند. به جایش آن ساختمان سفید را ساختند که نبش ثابت قدم است. «امان از خویش را بی‌خانه دیدن...» کلیدی چرخید؛ هنریک ارمنی از شش سال پیش در این خانه سکونت دارد اما تاریخچه آن را نمی‌داند. این منطقه از قدیم‌الایام، سکونت‌گاه ارامنه بود. وقتی که عشقی تیر خورد، همسایه ارمنی او کاترین، بدن نیمه‌جانش را به داخل خانه کشاند. هنریک آقای بابایی صاحب قبلی خانه را می‌شناسد و می‌گوید خانه مهدیخان را او خراب کرده و به جایش ساختمان کنونی را ساخته است. تلفن بابایی را می‌دهد و می‌رود و کلیدی که باز می‌چرخد در قفل می‌گوید: «باغبان زحمت مکش کز ریشه کندند این درخت...» در مسیر بازگشت، از اتفاق گذارم به کوی نفیسی می‌افتد. – خانه سعید نفیسی اینجاست؟ – بله، این هم پسر اوست که دارد می‌آید!

▪▪▪

سعید نفیسی تنها کس در میان تمام معاصران عشقی است که کامل‌ترین تصویر را از او در خلاصه‌ترین و منصفانه‌ترین عبارت‌ها ارائه می‌دهد. خانه نفیسی که تنها یک خیابان با کوی عشقی فاصله دارد، دیدارهای آن دو را در کافه‌های لاله‌زار، آن‌گونه که قلم شیوای نفیسی روایت کرده، به یاد می‌آورد. درون اتومبیل مردی با شباهت بسیار به سعید نفیسی نشسته است. بی‌درنگ او را صدا می‌زنم. استقبال گرمی می‌کند و می‌گوید که از مراودات پدرش با عشقی چیزهایی می‌داند. در ملاقات بعدی معلوم می‌شود که کس دیگری را با عشقی اشتباه گرفته بوده است، با این همه دیدار او خود دستاوردی دیگر داشت. رامین نفیسی مهندس ساختمان است. او با دست‌کاری‌های ظریفی در داخل خانه پدری آن را به دفتر کار خود تبدیل کرده است. نفیسی تمام نشان‌های افتخار پدر، لباس فارغ‌التحصیلی‌اش، نخستین ماشین تحریر و دستگاه نمایشگر اسلاید او را همراه با نسخه‌های خطی آثارش در جای مناسبی نگهداری می‌کند و امیدوار است که یک روز آنها را به نمایش درآورد. او از تلاشی نافرجام برای تاسیس بنیاد نفیسی در همین مکان حکایت می‌کند و خانه را متعلق به تمام نسل‌هایی می‌داند که در آن پرورش یافته‌اند. سپس شجره خانوادگی‌اش را از قرن هفتم نشان می‌دهد و به مبلی که رویش نشسته‌ام اشاره کرده می‌گوید که آنجا زاده شده است.

میرزاده عشقی در جوانی

مرحوم صفیه عشقی خواهر میرزاده عشقی

▪▪▪

بله ما خانه را خراب کردیم. چون وقتی خریدیم‌اش دیگر یک ویرانه شده بود و فقط معتادها در آن آمد و شد می‌کردند. آن زمان به شوهرم گفتند این خانه را خراب نکن، چون بعضی جاهایش ارزش تاریخی دارد. ولی او گفت من به تاریخ علاقه‌ای ندارم. ترجیح می‌دهم بکوبم و دوباره بسازم. بعد از اینکه خانه را ساختیم یکی گفت اینجا مال میرزاده عشقی بوده است. من که زیاد نمی‌شناختمش، فقط می‌دانستم شاعر است. حالا اگر بخواهید می‌توانم صاحب قبلی آن را به شما معرفی کنم. آدرس‌اش اول پیچ شمیران، سمت چپ ته یک کوچه بن‌بست است. پلاکش را نمی‌دانم اما در آبی رنگ دارد.

▪▪▪

– منزل آقای ثابت‌قدم؟ – بفرمایید! – شما ساکن خانه میرزاده عشقی بودید؟ – نه! دریغ از راه دور و رنج بسیار... پیرمرد ذوق‌زده است. شرمنده که عیالش خانه نیست و نمی‌تواند مرا به داخل دعوت کند، اما حاضر است فوراً شلوارش را روی همین پیژامه بپوشد و بیاید تا خانه را که ۳۰ سال خود و ۳۰ سال پدرش در آن زیسته و شک ندارد که خانه عشقی در همسایگی آن بوده نشان دهد. اجازه بدهید، الان می‌آیم! می‌آید و می‌گوید که تصویر خانه قدیمی از آن زمان که توپ فوتبال‌اش می‌افتاده در حیاط همسایه و می‌رفته که بردارد یادش هست. نقاشی بلدید خانوم؟ من می‌گویم شما بکشید. اینجوری بود.... می‌گوید: «کوچه عشقی همین بن‌بست بود که می‌بینید. یک روز از سر هوس روی تخته چوبی با زغال نوشتیم ثابت قدم. بعدها شهرداری تهران این پلاک را جدی گرفت و شوخی شوخی نام ما رفت روی دیوار.» آپارتمانی که امروز به جای خانه مهدیخان سربرافراشته، سوت و کور و بسیار دلگیر است. گویی که صاحبانش هم آن را فراموش کرده‌اند. هر چند «دردیست درد ما که مداوا نمی‌شود / با نام مرده مملکت احیا نمی‌شود»

■ **همدان**

عشقی در سال۱۲۸۸ ش. برای اتمام تحصیلات خود از همدان به تهران رفت. سه ماه بعد به زادگاه خود بازگشت و چهار ماه بعد به اصرار پدر، برای تحصیل عازم پایتخت شد، اما سر از رشت و بندر انزلی درآورد و دوباره به تهران عزیمت کرد. عشقی در ۱۸ سالگی (۱۲۹۴ ش.) نشریه «نامه عشقی» را که فقط یک ورق یعنی دو صفحه (پشت و رو) بود در شهر همدان منتشر می‌ساخت و این بدان معناست که در این زمان ساکن همدان بوده است. شاید بتوان نشانی از عشقی در این شهر یافت.

▪▪▪

کوه الوند که شهر همدان دامنش است / جامه سبز به بر دارد و طوطی منش است دروازه شهر همدان با چشم‌انداز قاطع کوه الوند مرا به نخستین پایتخت ایران و زادگاه میرزاده عشقی دعوت می‌کند. بیقرار دیدار با خانواده «هنری» هستم؛ فرزندان خواهر میرزاده عشقی که مرا با گرمی به شهر خود فراخوانده‌اند.

▪▪▪

این جزیره خرم که در یکی از خوش‌آب و هواترین مناطق همدان قرار گرفته است، شامل چند خانه – باغ زیباست که هر کدام به یکی از فرزندان مرحومه صفیه عشقی تعلق دارند. آنها که پس از سالیان سال کار و زندگی در تهران، امروز در زادگاه‌شان گرد هم آمده‌اند به پیشینه خود، علی‌الخصوص دایی شهیدشان دلبستگی بسیاری دارند. این خانواده فرهیخته، تنها حافظان نغمه‌های ضبط نشده نخستین اپرای ایرانی، سروده میرزاده عشقی هستند. ظاهراً عشقی که اهداف روشنگرانه‌ای از سرودن اشعار و تصنیف‌های وطنی داشته، جزئیات آن را با دقت و وسواس به فرزندان کوچک خانواده تعلیم می‌داده است. حافظه کودکی و نیز عِرقی که خواهران و برادران عشقی خاصه پس از مرگ وی نسبت به او داشته‌اند، منجر می‌شود که ملودی‌های این اپرا، سینه به سینه نقل شده به فرزندان بعدی برسد. اکنون در حافظه تنی چند از بازماندگان عشقی، همت اصحاب موسیقی ایران را انتظار می‌کشد. پریخ هنری (۱۳۱۸ ش.) قصه‌ای را همراه با یک بیت منتشر نشده از عشقی روایت می‌کند که با گفته‌های علی‌اکبر مشیرسلیمی گردآورنده کلیات مصور عشقی مغایرت دارد. او می‌گوید که پدر عشقی موافق عزیمت او از همدان به تهران نبود. به همین علت هرگز او را از حمایت مالی خود بهره‌مند نکرد. عشقی در واکنش به رفتار پدر بیتی سرود که مربوط به ۱۶ سالگی اوست: آخر پدر انصاف بده این پدری بود؟ این رسم پذیرایی از یک پسری بود؟ مهین هنری (۱۳۱۶ ش.) از علاقه وافر پدر خود به اشعار عشقی می‌گوید که به ازدواج وی با مادر او یعنی خواهر میرزاده عشقی می‌انجامد. او سپس نغمه‌هایی از اپرای رستاخیز را که از مادر خود آموخته می‌خواند. مهین هنری نقاش است و بیشترین شباهت ظاهری را به دایی خود دارد. بهروز هنری (۱۳۲۷ ش.) می‌گوید: خانه عشقی در همدان اوایل انقلاب کوبیده شد. ۳۰ سال پیش فردی به نام ایرج زُهری از این خانه تصویربرداری کرد. چون خیال داشت فیلمی درباره میرزاده عشقی بسازد، از جزئیات خانه و حتی اتاق میرزاده عشقی تصاویر دقیقی را ضبط کرد. این فرد الان ساکن آلمان است و فیلم‌هایی که در اختیار دارد، تنها تصاویری است که از محل زندگی عشقی در همدان باقی مانده است. فرزندان خواهر عشقی با نهایت تاسف از اسناد ارزشمندی یاد می‌کنند که هریک به دلیلی نابود شده‌اند، هرمز هنری (۱۳۲۴ ش.) صحنه‌ای را به خاطر می‌آورد که مادرش در حالی که زارزار اشک می‌ریخت، نامه‌های عشقی و نسخه‌هایی از روزنامه قرن بیستم را پاره می‌کرد. – آن زمان هیچ‌کدام از ما به ارزش این مدارک آنقدر آگاه نبودیم که جلوی او را بگیریم. «از دلم دست بدارید که خون می‌ریزد...»

■ **تهران**

به یاری بهروز هنری به سراغ شمس‌الملوک خانم یکی از کهنسال‌ترین بازماندگان خاندان عشقی رفتم که به‌رغم کهولت سن، قریحه شعری و حافظه‌ای بسیار قوی داشت. او دختر میرشمس‌الدین برادر ناتنی میرزاده عشقی و به عبارتی دخترعموی ناتنی او از ماه‌شرف خانم، زن تهرانی سیدابوالقاسم، پدر میرزاده عشقی است. با اطلاعاتی که این زن از شجره خانوادگی خود می‌دهد معلوم می‌شود که عشقی ریشه‌ای اصفهانی دارد. ظاهراً جدش حاج میرابوتراب اصفهانی در تهران وزیر محمدشاه قاجار بوده است. پسران او حاج میرمحمود و امین‌التجار به دستور دربار هر سال محرم ده شبانه‌روز به مردم شام و ناهار می‌دادند. یک روز حاکم کردستان برای گرفتن وام به سراغ آنها می‌رود. مدتی بعد هنگامی که آقایان برای دریافت وجه خود به کردستان دعوت می‌شوند، حاکم از آنها می‌خواهد که در این شهر بمانند و تکیه‌هایی مشابه تهران را برگزار کنند. ظاهراً هدف او از این کار ترویج آئین تشیع در میان کردها بوده است. پس از آن املاک بسیاری در منطقه قروه سنندج به نام این خانواده شده، لقب کردستانی به آنان داده می‌شود. سیدابوالقاسم، فرزند میرمحمودخان پس از چندی به همدان مهاجرت می‌کند و بیگم‌خانم را به زنی می‌گیرد. او از این زن صاحب شش فرزند می‌شود که نخستین آنها میرزاده عشقی است. خانه شمس‌الملوک خانم را ترک می‌کنم. آهنگ عصای پیرزن که سرود سرنوشت آدمی است در راهرو می‌پیچد؛ دریغ از راه دور و رنج بسیار.

دیگران

مسابقات بین‌المللی آرایشگری

ایرنا: شانزدهمین دوره مسابقات جهانی آرایشگری، تزئین مو، صورت و ناخن روز یکشنبه در مرکز بین‌المللی نمایشگاهی «اکسپوسنتر» مسکو آغاز شد. این مسابقات را اتحادیه بین‌المللی آرایشگران با همکاری اتحادیه آرایشگران روسیه و شهرداری مسکو برگزار می‌کند و در آن ۷۵۰ نفر از ۵۷ کشور جهان از جمله استادان آرایشگر و هنر زیبایی از روسیه، آمریکا و اسپانیا شرکت دارند. برای نخستین بار مسکو میزبان این مسابقات است. شرکت‌کنندگان در این مسابقات در ۴۰ بخش با یکدیگر رقابت خواهند کرد. در چارچوب این مسابقات معروف‌ترین هنرکده‌های آرایش جهان و استادان آرایشگر دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت برگزار خواهند کرد. به برندگان این مسابقات در کاخ کرملین جایزه داده می‌شود.

احتمال شیوع آنفلوآنزای مرغی

ایسنا: سازمان جهانی بهداشت هشدار داد که خطر بروز جهش ژنتیکی در ویروس آنفلوآنزای مرغی و تبدیل آن به نوعی که بتواند به راحتی بین انسان‌ها شیوع پیدا کند هنوز زیاد است و همچنین احتمال افزایش عفونت‌های انسانی در پایان سال جاری وجود دارد. این آژانس سازمان ملل در گزارشی با تحلیل بیش از ۲۰۰ مورد شناخته شده آنفلوآنزای مرغی، سه نقطه اوج در عفونت‌های انسانی از سال ۲۰۰۳ شناسایی کرده است که تمام موارد در طول فصل‌های زمستان و بهار در نیمکره شمالی زمین متمرکز بوده‌اند. سازمان جهانی بهداشت در ادامه افزود که اگر این الگو ادامه پیدا کند افزایش شیوع بیماری را در اواخر سال ۲۰۰۶ یا اوایل سال ۲۰۰۷ می‌توان انتظار داشت. این سازمان همچنین تایید کرد که انجام تحلیل‌ها و بررسی‌های بیشتر در این زمینه مورد نیاز است. از سوی دیگر پزشکی که دستگاه ایمنی و ایمن‌سازی بدن را چندین دهه مورد مطالعه قرار داده است، اظهار داشته که داروهای کاهنده کلسترول که برای جلوگیری از حملات قلبی یا سکته مغزی مورد استفاده قرار می‌گیرند، همچنین می‌توانند با شیوع آنفلوآنزای مرغی مقابله کنند. اما با این حال انجام آزمایشات بیشتر در این زمینه ضروری است در حالی که به گفته بسیاری از محققان دسترسی به واکسن یا داروهای ضدویروسی در ماه‌های اولیه شیوع بیماری برای بسیاری از نقاط جهان در حال حاضر امکان‌پذیر نیست لذا متخصصان به دنبال روش‌های درمانی جایگزین برای پر کردن این شکاف هستند. به گفته متخصصان آنفلوآنزا خطر حمله قلبی و سکته را افزایش داده است و تولید پروتئینی را باعث می‌شود که این پروتئین التهاب را افزایش می‌دهد. داروهای کاهنده کلسترول از جمله استاتین‌ها این خطرات را کاهش می‌دهند.

توزیع رایگان داروی ایدز در هند

ایسنا: یک سازمان دولتی کنترل ایدز در هند اعلام کرد که داروهای ضدبازگشت ویروسی برای درمان ایدز را به طور رایگان بین ۰۰۱ هزار بیمار آلوده به ویروس ایدز تا سال ۷۰۰۲ توزیع خواهد کرد. مسئولان بهداشتی این کشور تاکنون توزیع این داروها را برای ۵۳ هزار بیمار برنامه‌ریزی کرده بودند و در حال حاضر در نظر دارند این تعداد را به ۰۰۱ هزار بیمار افزایش دهند. به گفته مسئولان این داروها در حال حاضر در ۲۵ مرکز در سراسر کشور قابل دسترسی هستند و تا ماه اوت تعداد این مراکز به ۰۰۱ مرکز افزایش پیدا خواهد کرد. طبق این مطالعات ۶۳ هزار و ۴۹۴ بیمار در این ۲۵ مرکز در حال حاضر تحت درمان با این داروها قرار دارند و با افزوده شدن مراکز جدید پیش‌بینی می‌شود که تعداد کنونی به ۵۸ هزار بیمار برسد. این در حالی است که طبق آخرین آمار دفتر مبارزه با ایدز سازمان ملل که به تازگی منتشر شده است مشخص شد که هند بیشترین تعداد بیماران مبتلا به ایدز را در جهان دارد و با رقم ۵/۷ میلیون بیمار ایدزی از آفریقای جنوبی با ۵/۵ میلیون بیمار سبقت گرفته است. از سوی دیگر مطالعات نشان می‌دهد در کشور زامبیا نیز بیش از یک میلیون تن طی دو دهه گذشته در اثر بیماری‌های ناشی از ایدز جان خود را از دست داده و ۱/۲ میلیون تن به ویروس ایدز مبتلا آلوده هستند. در اوگاندا نیز کارشناسان متوجه کمبود داروی ایدز شده‌اند و این امکان وجود دارد که پس از ماه اوت بیماران فرصت درمان با دارو را نداشته باشند.

مبارزه مالزی با چاقی و کشیدن سیگار

ایرنا: مقام‌های بهداشتی مالزی اعلام کردند این کشور مبارزات گسترده‌ای را برای دادن هشدار به مردم با هدف محدود کردن مشکلات فزاینده‌ای نظیر فربهی و کشیدن سیگار آغاز خواهد کرد. «چوا جوی منگ» وزیر بهداری مالزی گفت: حدود ۴/۲ میلیون بزرگسال مالزیایی که بیش از یک چهارم جمعیت این کشور ۲۶ میلیون‌نفری را تشکیل می‌دهند، اضافه وزن دارند. به گفته وزیر بهداری مالزی در این کشور ۴/۶ میلیون نفر، از جمله بیش از نیمی از مردان مالزیایی، سیگار می‌کشند. چوا گفت: «رویکرد جدید ما به نحوی است که مردم مالزی را نسبت به این نگران‌تر و دقیق‌تر خواهد کرد زیرا ما معتقدیم که پیشگیری همواره بهتر از درمان است.» چوا گفت: وزارت بهداری به زودی با صرف ۲۲ میلیون رینگیت (۶/۲ میلیون دلار) از طریق رسانه‌ها به مدت سه ماه مردم را در زمینه کنترل وزن، سیگار کشیدن و دیگر مسائل نظیر «اچ‌آی‌وی» (ویروس بیماری ایدز) و بیماری ایدز و تب دنگی که از پشه ناشی می‌شود، آموزش خواهد داد.

ترحیم

بازگشت همه به سوی اوست

گر تو هم از رفتن راه عدم ترسی مترس
بس که آسان است این ره می‌توان خوابید و رفت

به اطلاع سروران گرامی، بستگان عزیز و دوستان محترم می‌رساند که با نهایت تاسف،
بزرگ خاندان پاکرو شادروان
جلال پاکرو
دعوت حق را لبیک گفت
مراسم ختم آن مرحوم مغفور از ساعت ۷ الی ۸/۳۰ بعدازظهر روز سه شنبه ۱۳۸۵/۴/۱۳ در مسجدالجواد واقع در میدان هفت تیر برگزار می‌گردد. تشریف فرمایی شما در مراسم فوق موجب آرامش آن شادروان و امتنان خانواده ایشان خواهد بود.
از طرف خانواده‌های: پاکرو، منزهیان، مراد، کشتگر، دیانی، فخری، روشن‌دل، کاویانی، محمد حسن، حاجی‌زاده، فخری‌نیا، افضلی، زارع و سایر بستگان و وابستگان محترم

چون خدا خواست
شمع وجود همسر مهربان و پدر عزیزمان ایرج صوفی سیاوش که پیوسته روشنی خود را از عشق خدمت به مردم و وطن و زادگاهش املش می‌گرفت خاموش گشت و روز جمعه نهم تیرماه ۱۳۸۵ طبق وصیتش در وادی که پدر نیکوکار و خیرش در بیش از سی سال قبل وقف مردم املش برای ایجاد گورستان نموده بود، به خاک سپرده شد. بی‌شک ما نیز همانند فامیل و تمام دوستان و علاقه‌مندانش مایل به برگزاری مراسم ختم و بزرگداشت و یادمان آن عزیز بودیم ولی از سر طاعت به لحاظ تاکید چند باره در وصیت نامه‌اش از برگزاری آنها خودداری کردیم و تنها به اجرای خواسته‌اش که تدفین او در زادگاهش املش و صرف هزینه‌های مربوط در امور خیر بود اکتفا نمودیم.
با قلبی آکنده از غم و درد - همسر و فرزندان او

بسمه تعالی
بهار بود و تو بودی و عشق بود و امید
بهار رفت و تو رفتی و هر چه بود گذشت
بدین وسیله درگذشت مرد مبارز و آزاده سرفراز شادروان
سید مصطفی (وحید) فاطمی زاده
دبیر بازنشسته را که با تنی مجروح و جسمی زخم خورده ناشی از سال‌ها اسارت در زندان‌های رژیم گذشته، در سنگر علم و فرهنگ همچنان به ستیز و مبارزه علیه استکبار تا واپسین دم حیات ادامه داد را به اطلاع بستگان، دوستان، آشنایان و همرزمان وی می‌رساند.
مجلس ختم آن مرحوم روز سه شنبه ۸۵/۴/۱۳ از ساعت ۱۳/۳۰ تا ۱۵ در مسجدالرسول اعظم واقع در سعادت آباد، میدان کاج، منعقد می‌باشد.
قدوم عزیزان را به دیده‌ی منت پذیرا هستیم.
مادر: عذرا زنگنه
همسر: ویدا ولی‌زاده دانا
فرزندان: آزاده و آلاله
برادران و خواهران: سعید، فرید (مجتبی)، ساعد، محمد، فاطمه و گلرخ فاطمی زاده
خانواده‌های: فاطمی زاده، زنگنه، ولی زاده دانا، فاطمی‌نژاد و خانواده‌های وابسته

انالله و انا الیه راجعون

روحی بلند در کالبد خاک آرامش گرفت
با نهایت تاسف و تاثر درگذشت
مرحوم مغفور حاج علی اکبر حاجی بابا
(بزرگ خاندان حاجی بابا)
بنیان گذار صنعت ریخته گری ایران و مدیر عامل شرکت فولاد تاکستان را به اطلاع اقوام، دوستان و همکاران می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم سومین روز درگذشت آن مرحوم روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۵/۴/۱۲ از ساعت ۱۷ لغایت ۱۸/۳۰ در مسجد الغدیر واقع در بلوار میرداماد منعقد می‌گردد.
ضمناً مراسم شب هفت آن فقید سعید روز جمعه مورخ ۱۳۸۵/۴/۱۶ از ساعت ۱۷ لغایت ۱۸/۳۰ در همان مکان منعقد خواهد شد.
حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
خانواده‌های: حاجی بابا، مشفق، اسفرجانی، جواد نجفی، ریسمانی، حاجیها، موسویان، لبانی، حاجی عرب و سایر خانواده‌های وابسته

پذیرش آگهی‌های ترحیم و تسلیت
تلفن مستقیم: ۲۲۰۵۷۰۹۰ نمابر: ۲۲۰۵۶۳۹۰
بلوار آفریقا، خیابان مهیار، پلاک ۲

تسلیت

جناب آقای رضا صالح آبادی
وکیل محترم دادگستری
درگذشت پدر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت می‌گوییم.
کیهان کلهر

علی جان

دو سال فراق تو با غم و اندوه گذشت.
خانواده‌های حسینی، صنعتگری

جناب آقای کاوه بیات
با نهایت تاسف درگذشت آقای ملک منصور خان صولت قشقایی را به شما و خانواده‌های بیات و صولت قشقایی تسلیت عرض می‌نماییم.
موسسه ترجمه و تحقیق هور

با اراده‌ی خدای توانا
دوست عزیزم آقای ایرج صوفی سیاوش که در ایام خدمت در وزارت کشور به عنوان کارگزار صدیق در سمت فرماندار در تعدادی از شهرستان‌های کشور عزیزمان ایران از جمله تهران بزرگ (تهران، شمیرانات، شهرری) سال‌ها خدمتگزار مردم بود، دم فروبست و ما را با دوری وجود خود اندوهگین ساخت.
بر اساس وصیتش خاکسپاری او در زادگاهش املش انجام شد و هزینه مجالس و مراسم معمول، صرف امور خیر خواهد گردید.
عباس ظریف

sharghnewspaper.com
سایت اینترنتی روزنامه شرق
html & pdf